

پانزدهمین مجلس نمایندگان نظامی در آمریکا

امسال نیز مانند هر سال گذشته برای انتخاب مجلس شدت عمری
 بایم علیه ضرران در تمام ایالات متحده آمریکا و کانادا
 هجده ماه در سی و کوشش بودند و در غرب و شرق هر چه
 با یک که در هر کجاست که در اول و بعد محافل
 روحانی بادی و محکمت شامه باشی عمری سخت نیستند
 گوید سپهر عزم نمایندگان که از آن قبل در سال در میان
 در شیکاگو جمع شدند و این مسوولان بلا داشتند و در
 در غرب صحنه محو از نشانه و فعالیت تازه در یکی از
 در این میان شهر عظیم آمریکا است معاضدت بگیرد
 ایامی انجام رساندن وظیفه خود میباشند در هر
 بندهش هر یک پیش آیت ایمان حقیقی رحمت الهی است
 بهام انسان را بطور وضوح قرابت خود این مردم همیشه
 در میان که هر یک مسوولند نظری از بادی بودند تا کمالات
 مکتوبی و مسرت طایفه و جبهه ناهشیر عجبی در قطار پندگمان
 شب ۲۵ نوبر اولین مجلس عزم نمایندگان و جشن عید خون
 که ببلاده محرم مسوولان جمع کشیدی از نو بر دوفی نیز میخواندند
 و در دو روز نیز مای مکتوب با دراد و از مار قود کرده است
 بلکه یک مجلس را مانند روزی در تمام دانه حاضر جمعی در ظل علم با یه و الهی بر رفته پس در اول وسیع
 و موسیقی و کثرت سرور و ظهور بر گوش جان رو در آن نمیزند با انجمنیات و در آن نطقهای کثرت با هم
 و علم سنیه منقوش با یه و الهی در بالای سر کل منظر این مدفن آن او گشت و با تدبیر سرش راز و در کار
 سرچ نیز درین مجلس بزرگ نا طین رو جان و غمگینان از هر جا که بود و از کار آنچه مجلس با خاتم و از کار

محبت در بنظر خدای رب رابع بظنبت این قوم با یک
 و شرح و توهمات غلبه آن در واقع و عقب در این
 آنگونه که چنین ایام شش صفت از خدمت محبت
 یکباره ظهور خواهد در هر چه است پرده از حال
 برداشت و حالین را حداد در خود نمود و در
 مکتوبی بنور است در عشق و محبت با معرفت بی نظیر
 در چنین ایامی در ۱۲۸۵ در راه سهام بنیاد از کار
 و نیز در مشرق تمام با یک و آثار ماندند این امر علم که چگونه
 تقییب قریب فرود و نوین را در طمکند طبیعت با هم
 روح در آید و نصف بعضات فاضله پند و فعال
 عیده روحیه نو نطقی بیخ او شد و در در کار
 و تضییع با قریب و مترجم مکتوبت ایامی سخت در این
 بکمال بیچاره محراب کس و سخت و ترحم آثار و بگذرد
 در حالت انجمنی پیش ندان شده در این دور
 او شروع در ۲۹ محرم صیبت مای زاریت بنا شروع
 و بسیار گشته و چون با نمبه عظیم ایامی رسیدند از آن
 آثار صیبت و سرور و امید موفور برای آینه آن بنای عالم
 در وجه نور آتابان و نایب بود در سطح آن با علم نور
 در ظل علم با یه و الهی بر رفته پس در اول وسیع
 و در آن نطقهای کثرت با هم
 از هر جا که بود و از کار آنچه مجلس با خاتم و از کار

ایام تریف فریاد حضرت خیرا بپا در منصبی سرورن مسکن بنا و
 بنیان آن حالت عجبی در نفوس مرده بود پس در حالت
 قبل و مرگت تلبی جفا صرف غمزه نهاده و نامها با
 در حالی توام بود و در آن پس رحمت بهوتی درین جهان
 فرمودند و در آن سب شروع با انجام وظیفه و کفایت
 سب متروا با پس عمری بود که در این باره در وقت
 منتهی و اعلا مات مندرجه در جوهر نفوس کثیره که
 در جمیع خلقت های دربار در توضیح و شرح متعصبه علیه این
 علیم آنگی و تقایم بار که راجع باینست ادیان و اقوام در
 ی انسان و سایر صلح سلام در وجه درض و در حال عاصمه
 در ظل اوست محبت هر دروغ غمزه مات مشکلات باقیه که
 اعصاب علیه آینه لقب عقل را تصفیه و تزکیه نمودند و در
 جمیع وجه رحمت شریعت نماید گمان بود که برای
 یک که فو نسبت به نام انسان و قدرت بهیچ قدر شریعت
 داشته هر چه راجع بشبه تربیت طفل با حقوق جنات
 رحمانی در سایر اسامی مخصوص برای انجام این وظیفه سعی
 مجرب شده و آنچه مدعی ازینها که ازینها گمان گشتان خدق
 در جمیع بزرگ قدرت در راه گذشته و قدرت او را در
 تمام مینماید و علی و تسبیح بلاد مندرجه شرق و غرب
 آنان توزیع میشد و در وقت اسرار عظیم در جوارهای بود
 نیز برای تاثیر شرق افکار چه در اختیار یکس خدشده
 خارج در ظل ذکات و در محضر که در آن است و با برین

نفوس حاضره با بر عهد عظیم و دست عالی و ادانت پس در
 اتفاق و سرایم که نقشه های یک در مرتب و با برین
 در شعبه خدمات بنفوس معینه که بر کذا گشت هر یک با برت
 بی پایان در کجا بی پیرا و این وظیفی عمل در امید و توجه با بر
 ساطع در ارض اصح و حضرت که بر هر عین ممتاز آن بود
 در حال فو رحمت نمودند و در آن باره در اوضاع در حال بجز
 پیشه بشری نمود که در اینصفت قایم تازه در روح جدیدی که
 عاصمه اری شکر است و نهضت و حرکت شایان وقت
 هم حاضر شروع خواهد شد
 بقیه بیانات مبارکه

علازمه و قدری چه قوه که چه استقامتی چه تمامی بود این بود
 که تا نیه حال مبارک بر سید انوار تا نیه است حال مبارک کلیه
 روشن یکدیگر نفس مروری فریاد که نزدیک مروری تمام این
 عنیب حال مبارک مراد این سفر و همچنین سز و جوار تا نیه که
 اما جود شهادت و ابر آنگی بودند این است که نیز با بر عیب
 و شهادت حضرت میفرمایم با بر در میان شتافت تا اینکه چون
 رعایت سلطان حتر خا هر رعایان شود در وقتیکه انان
 مشرف است تو تازه است همیشه در نهایت فرج و کمال و برادر
 بدوح در میان با بر و قیام ساکن است محمد کسل بیان در نهایت
 پروردگاری مثل انسان مرده میماند و جمیع اوقات جانش برادر
 کن ساعته که عبودت آستان تقدیر میکنند هر چه در این
 به برست عمل خوف و خوار است نهان نیا بر مانده و با برین

هر صفتی یک حالتی داشته باشد هر روزی در هر وقت باشد یا هر روزی
 قدش یک سطح معین کند و یک نقطه در جوی تعیین نماید آن
 در آن نقطه حرکت کند در نهایت که در آن باشد و دیگر
 تزلزلی پیدا کند مثلاً یک نفس بیشتر نهایت نقطه از جهش در آن
 نباید متون باشد پس در آن نقطه حرکت کند یک مکش عمیق است
 در جهش مهارت غلبه علیه اطلاع بر وجه فنون باید در آن نقطه
 هیچ تغییر ندهد یا اینکه طریقی از آن در آن است نقطه در جهش مهارت
 آستان مقدس است با برهمن سنگ در آن نقطه حرکت کند
 ابراهیمون در شش باشد درین تاریخ غلبه حاصل میشود تا گماند
 که شش مغرب بگیرد لکن این اولین از القرون فی الحاضر
 فزونی که در پیش گذشته از این علی و امی که بر سبقت یافته اند
 در قرون ماضیه بوده اند کدام یک آنان مثل شعاع روشن شد در
 زنده مغرب ابریه رسید بر تقایم دل و جان یافته در کوه خنده
 جهان بود که داغ رشور شد فزونی که در آن ذکرش با
 حدی که مستعد کرده اند آنرا روشن شدند و ای او بود در آن
 مانند ستاره جمع میرفتند فزونی که ستون بود و نه در ساعت
 یکسره آید شده هر روز فزونی میرزند هر دقیقه که مانند مرغ در
 شش غنی شایع میریزند ابراهیمونیه و روش نشدند در شش
 زینت آن در نهایت افسردگی ایام حیات است لکن در آن
 فزونی که ذکرش از عصر در تحصیل سایر کمال است عالم آن
 شده اطمینان در شش است هر حال در تمام حدیثان مرفوع شده
 انکشاف معلوم غلبه کرده تا پس از آن در هر روزی در هر وقت

در فجاج و فجاج نوع کر شیدند و فزونی بزرگوری بودند و گویا
 یک فزونی مثل بندگی آن کسی در عصر اول ظهور پیدا و مستعد
 بر این فزونی در عالم انسانی کنند و جسم غیبی را از غلظت نفیس
 در آن نجات برده و بجهان نورانی در آید و در آن وقت بیایم
 کنند سبب ترویج فزونی عالم انسانی شود و سر اخلاق همیشه
 مروج و عدت عالم انسانی شوند این فزونی مبارک که از هیچ صنف
 متاثرند لکن این همان است که تا به اینصراط مستقیم و نهج مقیم
 در این نجات در پی وسیله حیات سرمدی شود و حرکت کند از آنجا

و در مدینه عام اراضی مختلفه جنوبیه
 جبال بولون در ایام عربی کجیا و شمش
 بنام ایت حضرت اعیانها

کبریه قبل از آن در شرف شریف خورشید بعد که حکم عام اراضی
 محله جنوبیه یعنی اراضی فلسطین جبال (سیراوس بولون) کجیا
 خواهر آید در این صبح بندگان در میان در شرف شهر در هر طرف
 در ساعت معین بگذرند آید او آید و آنچه در مصالح مکتب
 نظر دارند اظهار نمایند تا کمال این قبیل بشود این دولت
 بعینهم کجیا در یک درستی میآید مانند فیلد هاشم ابلیس
 در جبال در شرف و جبال عالی و غیرهم ولی در آنجا یک شهر در یک
 در حیات وقت غرض و شرف است که در فزونی در آنجا که مجموع
 معنوس خود که در آنجا که ترفیع بر بندگی بخصیص طلب خود را
 جمع طوائف در میان در شرف در هر طرف مشرف بودند و هر یک در هر
 پنجاه دقیقه وقت مقدسات داده که فزونی در هر یک از این قبیل